

فرهنگ ادبیات بیابانی

احمد رضایی سوادکوهی

یا رب اگر تو ناخدایی مرا
طوفان هم حریف من نمی شود.

مرا گر دولت عالم بپوشند
برابر با نگاه مادرم نیست.

بند پدر گوش کن ای پسر هر چه شد
در همه جا می بخور بر همه کن مل میبند

غم عشقت بیابان پرورم کرد.

آن بهشتی را که قرآن می کند توصیف
صاحب قرآن بگفتا زیر پای مادر است

سراسر کوه را که در آغوش می گیرد
سراسر کوه را که در آغوش می گیرد

تو را امید تنهایی خدایا
تو را هستم تو را خواهان خدایا

هر که شیرین طلبد ترش خور
فرهاد

سراسر کوه را که در آغوش می گیرد
سراسر کوه را که در آغوش می گیرد



که با نامت جهان آغاز شد
و امروز منم با نامت باز شد

نمک در زخم من شیرین تر از خواب سحر گردد
جگرها خون شود تا یک پسر مثل پدر گردد

سرشناسه: رضایی سوادکوهی، احمد، ۱۳۳۲ -
عنوان و نام پدیدآور: ادبیات بیابانی / نویسنده احمد رضایی سوادکوهی.
مشخصات نشر: آمل: ورسه، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری: ۲۷۷ ص.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۷۲۰-۳۲-۷
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: ادبیات عامه ایرانی
موضوع: ادبیات عامه فارسی
رده بندی کنگره: PIR۳۹۷۶ ۱۳۸۹ ق ۶۱
رده بندی دیویی: ۸۹۰/۹۹
شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۸۴۲۰۱



آمل: میدان هفت تیر، خیابان فرهنگ، جنب کتابفروشی شیابويز

www.varseli.com ۰۱۲۱-۲۲۲۰۶۹۰

فرهنگ و ادبیات بیابانی
نویسنده: احمد رضایی سوادکوهی
طراح گرافیک و جلد: فرید غلامی
صفحه آرا: ستاره قلی‌نژاد
ویراستار: پریسا سبزی‌کار
ناظر چاپ: سینا حسینی
چاپ: سیرنگ آمل
صحافی: مبین
چاپ اول: ۱۳۹۰
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
قیمت: ۶۵۰۰ تومان

تمامی حقوق محفوظ و متعلق به نشر ورسه می‌باشد.
مرکزپخش: آمل، انتشارات ورسه
۰۹۱۱ ۳۱۲ ۱۷۳۲ ۰۱۲۱-۲۲۴۹۱۷۹

به نوم خدایی که دل بساته برای مهربونی‌ها پل بساته

اشاره‌ای از خود داشته باشم:

در بیست و چهارمین روز فروردین یک هزار و سیصد و بیست و دو هجری شمسی هم زمان با تولّد غنچه‌های رنگارنگ گل‌ها و بنفشه‌های بهاری در خانه‌ای روستایی واقع در طبیعت سرسبز و با صفای سوادکوه واقع در البرز مرکزی مازندران پا به عرصه هستی نهادم و آهنگ زیبای زمان کودکی را با نام «احمد» در همان روستا سپری می‌کردم که اکنون هم به دامنه طبیعت زیبایش سر ارادت می‌سایم.

دوران دبستان و نیمه اوّل دبیرستان را در همان روستا به پایان رساندم بعد از اتمام تحصیلات دبیرستانی در شهرستان شاهی سابق جذب سازمان تأمین اجتماعی، سپس وارد دانشگاه علوم پزشکی مازندران شدم در سال ۱۳۷۳ بعد از گذشت ۵۱ بهار زندگی و همراه با تلاش و تحصیل و کار در شهرستان‌های مختلف به افتخار بازنشستگی نایل و همچنان به مطالعه و فراگیری دانستنی‌ها مانوس و در حال سپری نمودن گذر زمان می‌باشم.

فهرست

۹	پیش گفتار
۱۰	تاریخچه حضور خودرو در ایران
۱۲	شعارهای خداگونه
۳۰	شعارهایی در رابطه با حضرت علی (ع)
۳۳	شعارهایی در رابطه با حضرت فاطمه (س)
۳۴	شعارهایی در رابطه با امام رضا (ع)
۳۵	شعارهای مادرانه
۴۲	شعارهای پدرانه
۴۶	شعارهای غریبانه
۴۷	شعارهای خسودانه
۴۹	شعارهای عاشقانه
۷۰	شعارهای محبت گونه
۷۳	شعارهای مرگ گونه
۷۵	شعارهای سفر گونه
۷۸	شعارهای سرعتانه = سبقتانه
۸۱	شعارهای دوستانه
۸۶	شعارهای متفرقه - گوناگون
۲۶۵	شعارهای بدون شرح
۲۷۶	منابع، مأخوزه

«پیشگفتار»

به نام نامی یکتا هنرمند که نام نیکویش باشد خداوند

با استعانت و یاری طلبی از ایزد منان که به ما چشم، گوش، عقل و هوش داده تا خوب ببینیم و شنونده خوبی باشیم و نیکو سخن بگوییم و راه را از بی‌راهه تمیز دهیم. بدیهی است که انسان از بدو خلقت جوینده و به دنبال برتری بر اساس استعداد و نیاز ذاتی خود خلق شد.

این ویژگی‌ها در سخن و موقعیت مختلف با یک دیگر فرق دارد، یکی جهش به دنبال مال و منال و دیگری به دنبال کشف کمال، هر یک به راهی و به دیاری و به قول شاعر شیرین گفتار:

بلبل به باغ و زاغ به ویرانه ناخند هر یک به استعداد خود لایه ساختند

بر همین اندیشه، از دیرباز زمانی که خواندن و نوشتن را آموختم و اندیشیدن را دریافتم، نوشته‌های گوناگون با خطوط مختلف در پشت خودروها از نوع باری و مسافری در جاده‌های بیابانی نظرم را جلب نمود ابتدا همه آن‌ها را فقط می‌خواندم اما به تدریج حسن کنجکاوی‌ام کنجکاوتر و تحریک گردید و مرا بر آن داشت تا آن را ریشه‌یابی و علت این نوشتن‌ها را پیدا کنم، اما هر چه گشتم و فکر کردم کمتر یافتم تا این که برای فروکش نمودن خواسته‌ام تصمیم گرفتم برداشت‌های خود را از این نوشته‌ها هر چند ناقص بیان کنم تا شاید انگیزه‌ای برای دیگران جهت ردیابی ابتدایی این گونه شعار نویسی که گاه عمیق و پر معناست باشد.

بنابراین ضمن یاری‌طلبی از دوستان و صاحب نظران در این خصوص استدعای همکاری و تفکر دارم.

به طور قطع هیچ نوشته‌ای مصون از انتقاد نمی‌باشد، بنابراین نوشته حاضر هم از قاعده کلی مستثنی نخواهد بود.

هم چنین اطلاعات جمع‌آوری یا نوشته شده در این مجموعه زیاد و متنوع بوده که به طور قطع خالی از ایراد نمی‌باشد و نویسنده نظر خود را در غالب جملات ارائه شده داده است، خطاها و کاستی‌ها را بر من ببخشایید.

احمد رضائی سوادکوهی

تاریخچه حضور خودرو در ایران و فرهنگ و ادبیات بیابانی

اگر در پیرامون اختراع اتومبیل‌های اولیه قدری بیاندیشیم، روایت می‌شود که نخستین خودروها با داشتن چرخ‌های چوبی و آهنی به حرکت درآمدند و در سال‌های بعد چرخ‌های لاستیکی و به صورت تأییر کنونی به بازار آمد و به تدریج با به کارگیری تکنیک‌های پیشرفته در این صنعت، عمدتاً آرامش و آسایش مردم مد نظر قرار گرفت.

و اما تاریخ حضور خودرو در ایران از زمانی شروع می‌شود که مظفرالدین شاه در سال ۱۲۷۹ هجری شمسی در سفری به فرانسه دو خودروی رنو از فرانسه خریداری و به ایران آورد، که پس از مظفرالدین شاه این دو دستگاه اتومبیل در موزه تهران نگهداری می‌شد که متأسفانه اکنون آثاری از آن به جای نمانده است البته در آن زمان پادشاهان از کالسکه سلطنتی استفاده می‌کردند و مردم عادی در نخستین دیدار با اتومبیل از آن می‌ترسیدند و از آن یک ابزار شیطانی نام می‌بردند. به تدریج از سال ۱۳۰۵ هجری شمسی، زمان حکومت پهلوی اول (رضاشاه) به تدریج خودرو مورد توجه مردم عادی هم قرار گرفت و این تمایل به وسیله آگهی تبلیغاتی که توسط شرکت‌های مختلف خارجی در روزنامه چاپ و یا بر درب و دیوار منازل چسبانده می‌شد به وجود آمده و بیشتر شد.

وسیله‌ای که در واقع چرخ اقتصاد هر جامعه را به حرکت درآورد به جهت حمل و جابه جایی کالا و به تدریج مسافر مورد استفاده قرار می‌گرفت. ابتدا رانندگی اتومبیل فقط مختص مردها بود تا به تدریج خانم‌ها به عنوان راننده شخصی مجاز و از آن استفاده